



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

بررسی نقش همت‌گیری اجتماعی و خودکشرلی در رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی

نوع دوستی و تجربه معنوی در دانشجویان دانشگاه سیریز

استاد راهنما:

جناب دکتر هاشمی

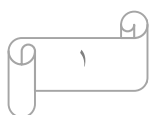
استاد مشاور:

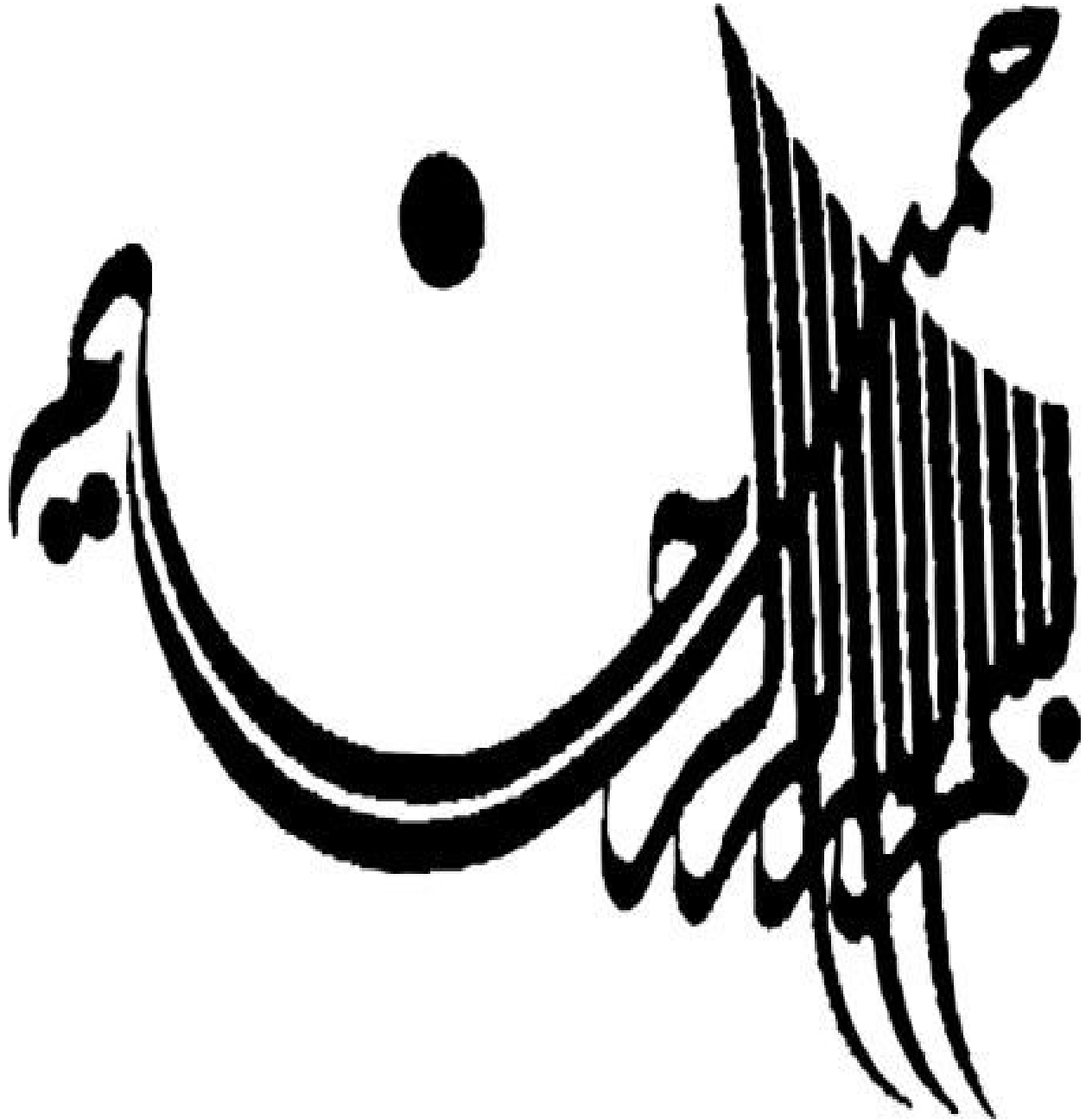
جناب دکتر بخشی پور

پژوهنده

الناز آریین پور

آذر ۱۳۹۰





نام: الناز

نام خانوادگی: آرين پور

عنوان پایان نامه: نقش جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی در فعل اخلاقی با توجه به نقش میانجی نועدوستی و معنویت در دانشجویان دانشگاه تبریز

استاد راهنما: دکتر تورج هاشمی

استاد مشاور: دکتر عباس بخشی پور

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته: روانشناسی تربیتی

دانشگاه: تبریز

دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۱۹۲

کلمات کلیدی: رفتار اخلاقی، جهت گیری اجتماعی، خودکنترلی، معنویت، نועدوستی

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر، مطالعه نقش جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی در فعل اخلاقی با توجه به نقش میانجی نועدوستی و معنویت بود. در راستای هدف مذکور، ۴۰۷ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به شیوه ی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه لوزیر، پرسشنامه جهت گیری بین فردی، مقیاس خودنظارتی، و پرسشنامه محقق ساخته برای معنویت و نועدوستی استفاده گردید. برای تحلیل داده ها از آزمون معنی داری ضریب همبستگی پیرسون، روش تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل داده های نشان داد که:

(۱) بین رفتار اخلاقی و معنویت رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). (۲) بین رفتار اخلاقی و خودکنترلی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/01$). (۳) بین رفتار اخلاقی و نועدوستی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). (۴) بین رفتار اخلاقی و جهت گیری اجتماعی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). (۵) بین معنویت و نועدوستی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/001$). (۶) بین معنویت و جهت گیری اجتماعی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/01$). (۷) بین معنویت و خودکنترلی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/05$). (۸) بین نועدوستی و جهت گیری اجتماعی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/01$). (۹) بین نועدوستی و خودکنترلی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/01$). (۱۰) بین جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی رابطه ی معنی دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/01$).

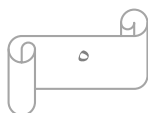
(۱۱) جهت گیری اجتماعی، نועدوستی، معنویت و خودکنترلی به صورت ترکیبی می توانند تغییرات رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند ($R^2 = 0/55$).

(۱۲) جهت گیری اجتماعی، خودکنترلی، معنویت و نועدوستی قادرند به صورت جداگانه (تفکیکی) تغییرات رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند (قدرت پیش بینی معنویت ۲۹ درصد، نועدوستی ۱۶ درصد، جهت گیری اجتماعی ۸ درصد، و خودکنترلی ۲ درصد است).

(۱۳) جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی با توجه به نقش میانجی تجربه معنوی و نועدوستی می توانند رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند (اثر کلی جهت گیری اجتماعی ۴۴ درصد، و اثر کلی خودکنترلی ۳۸ درصد).

صفحه	عنوان
.....	فصل اول: طرح پژوهش
۱-۴.....	تعریف مسئله
۴-۶.....	ضرورت مسئله
۷.....	اهداف پژوهش
۸.....	فرضیه های پژوهش
۹.....	متغیرهای پژوهش
۹-۱۰.....	تعاریف علیاتی و مفهومی متغیرها
.....	فصل دوم: پیشینه نظری و ادبیات پژوهشی
۱۱-۱۳.....	تعریف اخلاق
۱۳-۱۴.....	تعریف عمل اخلاقی
۱۴-۱۵.....	سنگ بنای اخلاق
.....	شناسی
.....	۱۵-۱۶ اخلاق جغرافیای

۱۶-۱۸.....	نظریه‌ی کانت.....
۱۸-۲۲.....	رشدی-شناختی.....
۲۲-۲۴.....	نظریه‌ی اجتماعی-شناختی و اخلاق.....
۲۴-۲۵.....	نظریه‌ی یادگیری اجتماعی و اخلاق.....
۲۵-۲۶.....	نظریه‌ی روان تحلیلی گری و اخلاق.....
۲۶-۲۷.....	نظریه‌ی شناختی تحولی و اخلاق.....
۲۸-۲۹.....	نظریه‌ی اجتماعی-فرهنگی و اخلاق.....
۲۹-۳۳.....	نظریه‌ی رست در مورد عمل اخلاقی.....
۳۳-۳۴.....	نظریه‌ی کیلیگان.....
۳۴-۳۵.....	نظریه‌ی سلمن در مورد نقش پذیری و اخلاقی.....
۳۵-۳۷.....	نظریه‌ی هیوت- شخصیت (ادراک خود) و عمل اخلاق.....
۳۷-۳۹.....	اخلاق و نظریه‌های مرحله‌ای عدالت مثبت: عدالت توزیعی و استدلال جامعه‌گرا.....
۴۰.....	اقسام اخلاق علمی.....
۴۰-۴۲.....	فعل اخلاقی و رویکرد قانون پرستی.....



۴۳.....	فصل اخلاقی، نسبی کرایہ و مطلق کرایہ
۴۳-۴۴.....	فصل اخلاقی و نظریہ ہومو
۴۴.....	فصل اخلاقی و عاطفہ کرایہ
۴۵-۴۹.....	معنویت و اخلاق
۴۹-۵۴.....	جہت گیری اجتماعی و اخلاق
۵۵-۵۸.....	خود کنترلی و اخلاق
۵۸-۶۰.....	نوع دوستی و اخلاق
۶۱-۶۵.....	تعریف معنویت
۶۵-۶۷.....	تفاوت معنویت و مذہب
۶۷-۶۸.....	ویژگی تجربہ ہی معنوی
۶۸-۷۰.....	بیداری و سکون فانی معنوی
۷۱-۷۶.....	اعاد و مؤلفہ ہی معنویت
۷۶-۷۷.....	معنویت سالم
۷۷.....	ویژگی ہی اشخاص معنوی

- ۷۷-۸۰..... نظریه‌ی معنویت و عقلانیت
- ۸۰-۸۱..... دیدگاه آلپورت
- ۸۱-۸۲..... دیدگاه یونگ
- ۸۲-۸۳..... نظریه‌ی سبک دل‌بستگی و معنویت (دل‌بستگی به خدا)
- ۸۳-۸۴..... معنویت و نودوستی
- ۸۵-۸۶..... تعریف و تاریخچه نودوستی
- ۸۶-۸۷..... نودوستی، رفتار اجتماعی مطلوب، کمک کردن
- ۸۷-۸۹..... چشم انداز زیست‌شناختی
- ۸۹..... دیدگاه رفتارگرایی
- ۹۰-۹۱..... دیدگاه مبادله‌ی اجتماعی
- ۹۱-۹۲..... فرضیه‌ی همدلی- نودوستی
- ۹۲-۹۴..... فرضیه‌ی تصمیم‌گیری
- ۹۴-۹۵..... فرضیه‌ی هم‌حسی- نودوستی
- ۹۵..... فرضیه‌ی مسکین‌حالت منفی

- ۹۵-۹۶..... فرضیه‌ی لذت‌هم‌حسی.....
- ۹۶-۹۷..... ویژگی‌های شخصیت نودوست.....
- ۹۷-۹۸..... تفاوت‌های جنسیتی در نودوستی.....
- ۹۸-۹۹..... نودوستی به عنوان یکی از ابعاد رفتار شهروندی.....
- ۹۹-۱۰۰..... های آموزش و ترویج نودوستی..... روش.....
- ۱۰۱-۱۰۳..... تعریف خودکنترلی.....
- ۱۰۳-۱۰۴..... بنیاد نظری خودکنترلی.....
- ۱۰۴-۱۰۵..... تئوری عمومی جرم.....
- ۱۰۵-۱۰۶..... مدل اجتماعی-روانشناختی از خودکنترلی.....
- ۱۰۶-۱۰۸..... مؤلفه‌های خودکنترلی.....
- ۱۰۹..... منطق زیربنایی استفاده از خودکنترلی رفتار.....
- ۱۱۰..... فرآیند خودکنترلی از دید اسلام.....
- ۱۱۰-۱۱۱..... نقش والدین در خودکنترلی کودکان.....
- ۱۱۲..... تحول خودکنترلی در فرآیند زندگی.....

- عوامل درونی و بیرونی در خودکنشری..... ۱۱۲-۱۱۳
- خودکنشری و جهت گیری اجتماعی..... ۱۱۳-۱۱۶
- خودکنشری و معنویت..... ۱۱۷
- خودکنشری و نוע دوستی..... ۱۱۸-۱۱۹
- خودکنشری، نוע دوستی و رفتار اخلاقی..... ۱۱۹
- خودکنشری، معنویت و رفتار اخلاقی..... ۱۲۰
- تعریف جهت گیری اجتماعی..... ۱۲۱
- نظریه ی قلمرو اجتماعی- شناختی و اخلاق..... ۱۲۲-۱۲۶
- نظریه ی تعامل گرایی نادى..... ۱۲۶
- اجتماعى شدن بر طبق دیدگاه تعامل گرایی نادى..... ۱۲۶-۱۲۷
- تأثیر رفتار فرزند پروری و شیوه های دبستگی بر رشد اجتماعی..... ۱۲۷-۱۲۸
- تأثیر اجتماع در شکل گیری الزامات اخلاقی..... ۱۲۸-۱۳۰
- نظریه ی کنش ارتباطی..... ۱۳۰-۱۳۱
- جهت گیری اجتماعی و نוע دوستی..... ۱۳۲-۱۳۵

۱۳۶-۱۳۹.....	جهت گیری اجتماعی و معنویت.....
۱۳۹-۱۴۰.....	جهت گیری اجتماعی و معنویت و اخلاق.....
۱۴۰-۱۴۲.....	جهت گیری اجتماعی، نועدوستی و رفتار اخلاقی.....
۱۴۳-۱۴۴.....	جمع بندی مطالب.....
.....	فصل سوم: روش شناسی.....
۱۴۵.....	مقدمه.....
۱۴۵.....	نوع پژوهش.....
۱۴۵.....	جامعه مورد مطالعه.....
۱۴۵.....	حجم نمونه.....
۱۴۵.....	روش نمونه گیری.....
۱۴۵-۱۴۸.....	ابزارهای اندازه گیری و روش جمع آوری اطلاعات.....
۱۴۹.....	روش جمع آوری داده ها.....
۱۴۹.....	روش تجزیه و تحلیل داده ها.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها.....

مقدمه..... ۱۵۰

آماره های توصیفی..... ۱۵۰-۱۵۱

آماره های استنباطی (تجزیه و تحلیل سوالات و فرضیات پژوهشی)..... ۱۵۲-۱۶۱

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....

مقدمه..... ۱۶۲

بحث در مورد فرضیه ها و سوالات پژوهشی..... ۱۶۲-۱۷۳

محدودیت های پژوهش..... ۱۷۳

پیشنهادات پژوهش..... ۱۷۳-۱۷۴

منابع فارسی..... ۱۷۵-۱۸۰

منابع انگلیسی..... ۱۸۱-۱۹۲

ضمایم.....

چکیده انگلیسی.....

اخلاق به عنوان یکی از مؤلفه های پیچیده رفتاری نقش وافر در روابط بین فردی ایفا می کند به طوری که بر اساس بیانات ملکیان (۱۳۸۵) شاخص معنویت و نועدوستی در این بین در تبلور عمل اخلاقی نقش مهمی ایفا می نماید. در این بین تجربه ی مراتب مختلف معنویت جلوه های متنوعی به فعل اخلاقی می بخشد و ویژگی نועدوستی که در بسیاری از موقعیت های بین فردی مستلزم اجتناب از منافع فردی و گذشتن از مزایای شخصی است در تبلور اخلاق نقش ایفا می کند. از طرفی، نوع روابط بین فردی و جهت گیری های اجتماعی افراد سنگ بنای اخلاق محسوب می شود (استوارت، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، مهارت خودکنترلی به عنوان یکی از مؤلفه های فرد معنوی عامل تسهیل کننده در ظهور اخلاقیات می باشد (کونگ، ۱۹۹۸). در نتیجه، نوع جهت گیری اجتماعی افراد و مهارت های خویش داری در رهگذر روابط میانجی نועدوستی و معنویت موجب تأثیر بر اخلاقیات می شود.

بیان مسئله

فعل اخلاقی پیچیده ترین مؤلفه ی رفتار انسانی است که در شکل گیری و بسط آن، عوامل متنوعی به ایفای نقش می پردازند. موجود انسانی در بستر تکامل فردی و نوعی خویش به اهمیت سازگارانه و تنظیم کننده ی عمل اخلاقی پی برده و در جهت اشاعه ی آن در شئون فردی و بین فردی تلاش های دامنه داری به عمل آورده است. هرچند که در تبیین خاستگاه اخلاق، دیدگاه های متنوع فلسفی، جامعه شناختی و روانشناختی وجود دارد، لکن پیچیدگی و اهمیت وافر آن در زندگی آدمی، تلاش های تبیینی به عمل آمده را به فهم روشن و همگانی رهنمون نساخته است، چرا که رفتار از سرچشمه های نظری متکثری ارتزاق می کند که بر تنوعات متظاهر شده ی آن، لباس توجیه پوشانده و مهر تأیید می زنند (وسز و هوویت^۱، ۲۰۰۵).

با این حال، از منظر روانشناختی می توان زاویه ی تبیین را تنگ تر نمود و در سپهر سازه های روانشناختی به شناسایی و روشنگری زوایای پنهان آن پرداخت. در این راستا، نظام های تبیینی فراشناختی، بین فردی، ادراکی و روانشناختی در اشکال و سنخ های نظری به چگونگی شکل گیری و تداوم و تغییر رفتار اخلاقی پرداخته و تفسیرهای واقع نما و مستدل از این پدیده ارائه نموده اند. از منظر روانشناختی، چنین به نظر می رسد که رفتار اخلاقی در بستر ورود شخص به تعاملات اجتماعی، معنی پیدا می کند، از این رو تصمیم فرد برای برقراری تعاملات بین فردی زمینه ی ظهور فعل اخلاقی را مهیا می کند (توریل^۲، ۲۰۰۲). با این حال در راستای تأثیرگذاری جهت گیری های اجتماعی فرد بر عمل اخلاق، نقش معنویت و مراتب عینی آن در زوایای زندگی فردی و بین فردی برجسته تر می شود (کونگ^۳، ۱۹۹۸). چرا که، تجربه ی مراتب مختلف معنویت، جلوه های متنوعی به فعل اخلاقی می بخشد (ملکیان، ۱۳۸۵). به این معنی که در سلسله مراتب تجربه ی معنویت، رفتارهای اخلاقی هم از نظر شکلی و هم از نظر ماهوی تغییر می کند به نحوی که در سطح نازل معنویت، فعل اخلاقی وسیله ای جهت نیل به اهداف ویژه ی عینی به منصفه ی ظهور می رسد در صورتی که در سطوح عالی معنویت، عمل اخلاقی، به لحاظ مطلوبیت ذاتی، از فاعل آن سر می زند و به همین سیاق، در عالی ترین شکل معنویت، عمل اخلاقی، در راستای نیل به حقیقت غایی ظهور می یابد. با این اوصاف چنین به نظر می رسد که معنویت نقش میانجی بین فعل اخلاقی و جهت گیری اجتماعی ایفا می کنند. به عبارتی رفتار اخلاقی در تبلور عینی خویش در تعاملات بین فردی از رویکرد ها و جهت گیری های اجتماعی ارتزاق می کند، و در این روابط

¹-Vesses & huitt

²-Turiel

³-Kung

تَعْيُن بخش، درجات تجربه ی معنوی گاه به ظهور فعل اخلاقی ضرورت می بخشد و موجب تجلی جبری آن می شود و این نقش، زمانی ایفا می شود که فرد در مراتب معنویت، حائز تجارب عالی و قرین به حقیقت باشد، چرا که در تجارب نازل معنوی، فعل اخلاقی تجلی ضروری در شئون زندگی فردی پیدا نمی کند و این ارتباط غیر تَعْيُن بخش از ابزاری بودن تجربه ی معنوی ناشی می شود، به این معنا که فعل اخلاقی در بسیاری از موقعیت های بین فردی مستلزم اجتناب از منافع فردی و گذشتن از مزایای شخصی است و در اغلب اوقات، تجارب نازل معنوی نمی تواند به ظهور ضروری رفتار اخلاقی منجر شود، چرا که اینان، فعل اخلاقی را خادم تجارب معنوی تلقی می کنند و از آن به مثابه وسیله ای جهت نیل به آمال شخصی بهره می گیرند (ملکیان، ۱۳۸۵).

از منظری دیگر می توان فعل اخلاقی را به مهارت خودکنترلی ارجاع داد؛ مهارت های روانشناختی که از ملاک ها و معیارهای ارزشی فرد سرچشمه گرفته و فرد را در موقعیت های زندگی (فردی و بین فردی) یاری رساننده و تسلط وی بر آن موقعیت ها را تضمین می کند (کاپ و ویر^۱، ۱۹۹۴). به تعبیری دیگر، بروز و ظهور رفتار اخلاقی در موقعیت های اجتماعی، مستلزم کنترل میل ها و لذات فردی است و مدیریت این میل ها از دو جهت امکان پذیر است، به این معنی که یا قواعد اجتماعی در راه ارضاء میل ها مانع ایجاد می کند، و یا این که فرد به واسطه ی ارزش های درونی و معیار های فردی از ارضاء میل های خویش امتناع می کند (شانکوف و فیلیپس^۲، ۲۰۰۰). از این رو، بروز و ظهور فعل اخلاقی در موقعیت های بین فردی زمانی تضمین می شود که فرد بواسطه ی برخورداری از ملاک های درونی، بر خواهش های فردی افسار بزند و آن ها را کنترل کند، لذا فقدان کنترل درونی و سست شدن مهارت های بیرونی و اجتماعی، تحقق فعل اخلاقی را تضمین نخواهد کرد، چرا که تبلور عینی ارزش های اخلاقی در فعل فاعلان اجتماعی، مستلزم این است که خود ارزیابی و خودنظارتی مستمر بر رفتارهای فردی حاکم باشد و تحقق این دو، از ضرورت تَعْيُن یافته خودکنترلی ارتزاق می کند و از این روست که داشتن ملاک های ارزشی درونی و وام گیری از آن ها در روابط اجتماعی، تضمین کننده ی احتمالی بروز فعل اخلاقی خواهد بود (کوچانسکا^۳، ۲۰۰۲). با این حال، در این روابط دو سویه بین خودکنترلی و فعل اخلاقی، تجارب معنوی نقش میانجی را ایفا می کنند (نیبور^۴، ۲۰۰۱) چرا که ممکن است فردی که دارای خودکنترلی بالاست، به لحاظ فقدان سوگیری مثبت به تجارب معنوی و یا داشتن پنداشت های سود انگارانه از

¹-Koop& Wyer

²-Shonkoff& Phillips

³-Kochanska

⁴-Niebuhr

چنین تجاربی، از عمل اخلاقی اجتناب کند (کونگ، ۲۰۰۲) و یا اینکه فعل اخلاقی وی، تبلور ارزش های اومانستی باشد (زان - واکسلر^۱، ۲۰۰۰). از این رو، سلسله مراتب معنویت، می تواند نقش میانجی بین خودکنترلی و فعل اخلاقی ایفاء کند.

از سویی، رفتار اخلاقی در تبلور عینی خویش، نمایانگر تأثیر و تأثرات بین فردی در میان آحاد بشر است به این معنی که هدف فعل اخلاقی معطوف به افرادی است که در قبال تحقق آن، عدالت را تجربه نموده و به حقوق فردی خویش دسترسی پیدا می کنند. از این رو، رفتار اخلاقی به ارجحیت دیگری در مقابل خود تأکید دارد (کارلو^۲، ۲۰۰۱) و در این ارجحیت، توجه به رفاه و حقوق دیگران در لباس نوعدوستی تحقق عینی می - یابد (بلوم^۳، ۱۹۸۰). بر این اساس، رفتار اخلاقی مسبوق به نوعدوستی بوده و هم تداوم بخش و تسری بخش آن در شئون زندگی فردی و اجتماعی است (کارلو، رندال^۴، ۲۰۰۲). از این منظر می توان به نقش عوامل اجتماعی و بین فردی در بروز و ظهور رفتار اخلاقی تأکید نمود، چرا که نوعدوستی، تبلور جنبه ی اجتماعی شخصیت آدمی است که فرصت عینیت بخشی به ارزش های اخلاقی در روابط اجتماعی را مهیا می کند (چالدین^۵، ۱۹۹۷). و از این روست که تبلور عینی آن (نوعدوستی) در روابط اجتماعی، مستلزم جهت گیری اجتماعی در فاعلان انسانی است (باتسون^۶، ۱۹۹۸)، چرا که داشتن جهت گیری اجتماعی نشانگر علاقه و توجه فرد به دیگران بوده و دل بستگی فرد به حضور دیگران در زوایای زندگی شخصی را نمایان می کند، از این رو نوعدوستی در چنین بستری امکان تحقق عینی پیدا می کند و راه برای ابراز همدلی و هم حسی به دیگران مساعد می گردد. لذا نوعدوستی در نقش عامل میانجی، زمینه ی تأثیرگذاری جهت گیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی را تسهیل می - کند. مبتنی بر این برداشت نظری، چنین پنداشته می شود که عمل اخلاقی در رهگذر تحقق عینی، مسیر مستقیمی را طی نمی کند، چرا که تبلور عینی و عملی آن، وام دار عوامل روانشناختی، بین فردی و ادراکی متنوعی است که در درون روابط ساختاری متعامل به ایفای نقش می پردازند.

¹-Zahn_Waxler

²-Carlo

³-Bloom

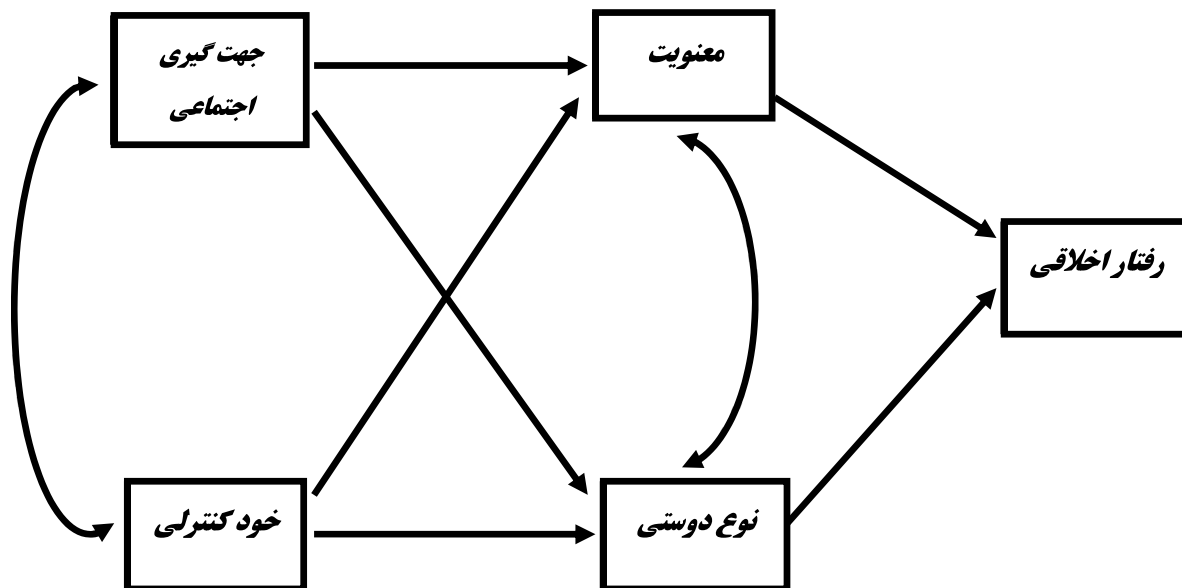
⁴-Rendal

⁵-Cialdin

⁶-Batson

در این مدل نظری (شکل ۱-۱) رفتار اخلاقی از تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم چندین عامل بهره مند بوده و شدت وحدت بروز آن در سامانه‌ی زندگی فردی و اجتماعی، وامدار حضور و غیبت آن عوامل تصور می‌شود.

شکل ۱-۱: روابط ساختاری نظام‌های روانشناختی، بین فردی و ادراکی با رفتار اخلاقی



مبنتی بر مدل فوق ابهامات نظری متنوعی در قالب پژوهش اکتشافی در ذهن پژوهشگر به منصفه‌ی ظهور رسیده است که آیا چنین مدلی می‌تواند به بخشی از چالش‌های نظری در این حوزه پاسخ دهد؟ و این که آیا روابط ساختاری موجود بین جهت‌گیری اجتماعی و خودکنترلی با تجربه معنوی و رفتار اخلاقی از یک سو و جهت‌گیری اجتماعی و نوع دوستی با رفتار اخلاقی از دیگر سو، تا چه حد در عالم واقع، تحقق عینی دارد؟ به تعبیر دیگر، آیا نقش جهت‌گیری اجتماعی در رفتار اخلاقی بواسطه‌ی تجربه معنوی و نوع دوستی، وساطت می‌شود یا نه؟ و اینکه در تأثیرگذاری خودکنترلی بر رفتار اخلاقی، نقش تجارب معنوی چگونه ظهور پیدا می‌کند، آیا این نقش، تعدیلی است یا تسهیلی؟

ضرورت و اهمیت موضوع

در نظام های ارتباطی و تعاملی آحاد انسانی، قواعد و شاخص های مدرن به شکل قراردادهای اجتماعی نقش اساسی ایفا می کنند. این قراردادها، حدود و ثغور رفتار آدمی را در بسترهای اجتماعی در قالب حقوق و تکالیف معین کرده و به تحقق اهداف زندگی آدمیان یاری می رسانند (بیرهوف^۱، ۲۰۰۳) با این حال تمسک به قواعد اجتماعی جهت نظم دادن به امور، در بخش مناسبات اجتماعی، کارآیی خویش را از دست داده (اپلی و دونینگ^۲، ۲۰۰۰) و آدمی را بیش از پیش به زندگی فردگرایانه و سود انگارانه سوق می دهد (باتسون، ۱۹۹۸) به نحوی که حسابگری بیش از حد در امور زندگی، ظهور جنبه ی مثبت و متعالی شخصیت آدمی در عرصه ی اجتماعی و فردی را به قهقرا کشانده و بعد معنوی و فرا روانشناختی وجود آدمی را در چنبره ی مناسبات عقلانی، از دایره ی زندگی به حاشیه می راند (بیرهوف، ۱۹۸۸). در هزاره ی دوم و یک دهه ی اخیر، سیطره ی هژمونیک فرهنگ فردگرایانه در مناسبات فردی و بین فردی، گستره ی شکل گیری و تداوم رفتارهای اخلاقی را باژگون نموده و عرصه را برای ظهور رفتارهای پرخاشگرانه و ضد انسانی مهیا تر نموده است به نحوی که تبلور عینی این اندیشه ها را می توان در تعاملات بشری در وجوه مختلف مشاهده نمود (کویی و داج^۳، ۱۹۹۸). هر چند که تعالیم دینی و ارزشی به وفور در بیان مزیت های فعل اخلاقی، انتشار یافته و به انحاء مختلف به اذهان آدمیان رسوخ پیدا می کند، لکن تبلور عینی اخلاق در افعال آدمیان، با تنگناها و موانع بی شماری همراه است که در این راستا می توان به موانع فکری، اجتماعی و عقیدتی اشاره نمود. به این معنی که، جلوه گاه ظهور فعل اخلاقی، مناسبات اجتماعی بوده (هافمن^۴، ۲۰۰۲) و تبلور عینی اخلاق در این مناسبات به خودآگاهی آدمیان (دان^۵، ۱۹۸۸) و حرکت آن ها به سوی تعاملات بین فردی (هیوز^۶ و دان، ۲۰۰۰) بستگی تام دارد. از این رو، ترویج فعل اخلاقی در حیطه ی رفتارهای اجتماعی، به شناخت عوامل تأثیرگذار بر آن بستگی دارد. در راستای تبیین نمود عینی فعل اخلاقی در مناسبات اجتماعی، برخی نظریه پردازان به نقش جهت گیری اجتماعی (بیرهوف، ۲۰۰۳) اشاره نموده اند و از سوی کارلو (۲۰۰۱) و سلیگمن و میهالی^۷ (۲۰۰۰) بر نقش عواطف و ادراکات نوع دوستانه تأکید داشته اند به نحوی که در این تأکیدات اشاره شده است که نوع دوستی در فرآیند اثرگذاری جهت گیری اجتماعی بر فعل اخلاقی، نقش واسطه ای دارد. از این رو برآزش تجربی این

¹- Bieroof

²- Epley & Dunning

³- Coie & Dodge

⁴- Huffman

⁵- Dunn

⁶- Hughes

⁷- Seligman & Mihay

روابط، قادر خواهد بود صحت و سقم این پیش بینی ها را به بوته ی آزمون بگذارد. از طرفی، چنانچه پیشتر عنوان شد کیفیت ارتباط فرد با هستی و نوع معرفت آدمی به چنین ارتباطی که تبلور عینی آن در تجارب معنوی فرد، قابل رهگیری است، به طور احتمالی در شکل گیری و تداوم فعل اخلاقی نقش ویژه ایفا می کند لکن به تعبیر ملکیان (۱۳۸۶) سلسله مراتب تجارب معنوی آدمی، به وقوع قبض و بسط های آشکار در فعل اخلاقی منتهی می شود به نحوی که پیش بینی روابط خطی بین این دو را با مناقشات لاینحل مواجه می کند. از این روست که ملکیان (۱۳۸۶) عنوان می کند که تجارب معنوی در روابط بین جهت گیری اجتماعی و فعل اخلاقی نقش تعدیلی و گاه تسهیلی ایفا می کنند و این ارتباط در فرآیند اثرگذاری مهارت های خودکنترلی بر فعل اخلاقی نیز قابل پیش بینی است (زان - واکسلر، ۲۰۰۰). به این تعبیر که مهارت های خودکنترلی نمی توانند وقوع یا عدم وقوع فعل اخلاقی را به طور مشخص پیش بینی کنند و این امر به واسطه ی کیفیت رابطه ی فرد با هستی، (کونگ، ۲۰۰۲) معنای مشخص پیدا می کند. بر این اساس، در پیش بینی رفتار اخلاقی، مسیر تازه ای قابل پیش بینی است که تأیید یا عدم تأیید این مسیر به برازش های تجربی و عینی نیازمند است. مبتنی بر این تحلیل ها، چنین به نظر می آید که پیوند های خطی جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی با فعل اخلاقی، سادگی محض بوده و در این میانه، لازم است نقش تسهیلی یا میانجی تجارب معنوی و رفتارهای نوع دوستانه مورد توجه قرار گیرد.

با این حال، درباره ی ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر می توان علاوه بر نقش برجسته ی روشنگری نظری مدل ارائه شده، به نقش تعلیمی و کاربردی یافته های پژوهش حاضر نیز اشاره داشت، چرا که تأیید تجربی روابط ترسیم شده بین متغیرهای مورد مطالعه، می تواند، آموزه های عملی روشنی در چگونگی ترویج فعل اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی داشته باشد و موانع موجود در رونق و عملیاتی شدن افعال اخلاقی را شناسایی کند و توصیه های عملی در این راه ارائه نماید. چرا که در جوامع کنونی، ترویج فرهنگ فردگرایی منفی، راه را بر زایش فعل اخلاقی در مناسبات بین فردی سد کرده است و تنها با واسطه ی گفتار و دعوت کلامی به انجام فعل اخلاقی، نمی توان به گسترش و تعمیق این افعال در روابط اجتماعی و زندگی فردی امیدوار بود. از این رو، بررسی مدل های نظری و آزمون این مدل ها در عرصه های عملی، می تواند راه گشای برخی از مشکلات مبتلاء در این حوزه ها شوند.

هدف کلی:

تعیین نقش جهت گیری اجتماعی و خود کنترلی در رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی تجربه ی معنوی و نوع دوستی

اهداف جزئی:

- ۱) تعیین نقش جهت گیری اجتماعی، خود کنترلی، معنویت و نوع دوستی به صورت ترکیبی در رفتار اخلاقی
- ۲) تعیین نقش جهت گیری اجتماعی، خود کنترلی، معنویت و نوع دوستی قادرند به صورت جداگانه در رفتار اخلاقی
- ۳) تعیین نقش جهت گیری اجتماعی و خود کنترلی با توجه به نقش میانجی تجربه معنوی و نوع دوستی در رفتار اخلاقی
- ۴) تعیین رابطه ی تجربه ی معنوی و رفتار اخلاقی
- ۵) تعیین رابطه ی نوع دوستی و رفتار اخلاقی
- ۶) تعیین رابطه ی تجربه ی معنوی و نوع دوستی
- ۷) تعیین رابطه ی جهت گیری اجتماعی و خود کنترلی
- ۸) تعیین رابطه ی جهت گیری اجتماعی و رفتار اخلاقی
- ۹) تعیین رابطه ی خود کنترلی و رفتار اخلاقی
- ۱۰) تعیین رابطه ی خود کنترلی و نوع دوستی
- ۱۱) تعیین رابطه ی جهت گیری اجتماعی و تجربه ی معنوی
- ۱۲) تعیین رابطه ی جهت گیری اجتماعی و نوع دوستی
- ۱۳) تعیین رابطه ی خود کنترلی و تجربه ی معنوی

سؤالات و فرضیات پژوهش:

۱) آیا جهت گیری اجتماعی، خودکنترلی، معنویت و نועدوستی قادرند به صورت ترکیبی رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند؟

۲) آیا جهت گیری اجتماعی، خودکنترلی، معنویت و نועدوستی قادرند به صورت جداگانه (تفکیکی) تغییرات رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند؟

۳) آیا جهت گیری اجتماعی و خودکنترلی با توجه به نقش میانجی تجربه معنوی و نועدوستی می توانند رفتار اخلاقی را پیش بینی کنند؟

۴) بین معنویت و رفتار اخلاقی رابطه مستقیم وجود دارد.

۵) بین نועدوستی و رفتار اخلاقی رابطه مستقیم وجود دارد.

۶) بین جهت گیری اجتماعی و رفتار اخلاقی رابطه مستقیم وجود دارد.

۷) بین خودکنترلی و رفتار اخلاقی رابطه مستقیم وجود دارد.

۸) بین نועدوستی و معنویت رابطه ی مستقیم وجود دارد.

۹) بین جهت گیری اجتماعی و معنویت رابطه ی مستقیم وجود دارد.

۱۰) بین خودکنترلی و معنویت رابطه ی مستقیم وجود دارد.

۱۱) بین جهت گیری اجتماعی و نועدوستی رابطه ی مستقیم وجود دارد.

۱۲) بین خودکنترلی و نועدوستی رابطه ی مستقیم وجود دارد.

۱۳) بین خودکنترلی و جهت گیری اجتماعی رابطه ی مستقیم وجود دارد.